

جزوه حقوق مدنی 1 pdf

[برای دانلود جزوه اینجا کلیک کنید](#)

پس از تنظیم سند آن حقی برای بانک ایجاد میشود که به آن حق عینی تبعی میگوییم. یعنی: بانک میتواند در صورت عدم پرداخت اقساط ملک را فروخته و حقتش را بگیرد.

**دین:** دو نوع است: 1- با وثیقه یا رهن 2- حق عینی تبعی

بیوثیقه و این یعنی که حق عینی تبعی رابطه بین رهن (مدیون) و مرتهن (دائن) است که رهن در قبال اجرای تعهداتش، ملکی (یعنی عین معینی، عین معین یا مرهونه) میدهد و هر گاه تعهداتش ادا شد فک رهن میشود و در سند مربوطه در ستون متعامل اسم مرتهن نوشته میشود و در ستون معامل اسم رهن. پس انتقال مال مرهونه غیر نافذ است (یعنی جایز نیست) مگر با اذن مرتهن. پس:

- عین مرهونه متعلق حق (عینی تبعی یا رهن) مرتهن است.

**چرا به رهن حق عینی تبعی میگوییم:** چون تبعیت از دین میکند و هر وقت دین از بین رفت تبعیتش هم از بین میرود، یعنی این حق عینی تبعی مستقل نیست.

**پس دو تفاوت حق عینی تبعی و اصلی:**

1) در حق عینی اصلی، صاحب حق کامل یا ناقص میتواند از منافع مال استفاده کند. ولی در حق عینی تبعی منافع وثیقه به مدیون (بدهکار) تعلق دارد و مرتهن (طلبکار) تنها در صورت خودداری مدیون از پرداخت دین، میتواند طلب خود را از حاصل فروش عین بردارد.

2) حق عینی تبعی، مستقل نیست و در صورت پرداخت دین از بین میرود. ولی حق عینی اصلی، تابع هیچ دینی نیست و اصالت دارد و برای همین عدم استقلال حق عینی تبعی است که دائن ابتدا باید طلب را از مدیون بخواهد، سپس اگر نداد به سراغ فروش آن برود.

**ب) حق دینی:**

رابطه حقوقی میان دو شخص را گویند یعنی حقی که شخص نسبت به دیگری پیدا میکند و به موجب آن میتواند انجام دادن کاری را از او بخواهد. صاحب این حق را دائن یا طلبکار و کسی را که ملزم است مدیون یا بدهکار و اصل حق را نیز به اعتبار صاحبش، طلب و به اعتبار مدیون تعهد یا دین میگویند.

پس در حق دینی داریم: 1- مدیون (بدهکار) یا متعهد. 2- دائن (طلبکار) یا متعهدله.

حق دینی قابل شمارش نیست ولی حق عینی سهتاست: 1- مالکیت 2- انتفاع 3- ارتقاع

موضوع حق عینی همیشه یک شیء مادی و محسوس ولی موضوع حق دینی ناظر است به سه چیز است:

1- و عده بیع (انتقال مال)

2- انجام کار مثلاً جراحی که قرار است عمل را روی بیمار انجام دهد.

3- ترك كار: فرش فروشی بگوید مغز هام را به تو اجاره می دهم به شرطی که فرش فروشی در آن دایر نکنی یا زنی شرط کند که شوهرش ازدواج مجدد نکند.

و کسی که دارای حق دینی است فقط از طریق مدیون و غیر مستقیم میتواند آن را بر روی اشیاء اعمال کند و راه عملی آن خواستن الزام مدیون از دادگاه است.

## مقایسه حق عینی با حق دینی:

### حق عینی:

1) از نظر ساختار و ترکیب و یا عناصر تشکیل دهنده ی آن: در حق عینی فقط دو عنصر است:

مالک حق ، موضوع حق.

2) دومین تفاوت در موضوع حق است. حق عینی همیشه یک شیء مادی و محسوس و معین در خارج است ولی موضوع حق دینی ممکن است 1- انجام کار 2- عدم انجام کار 3- انتقال مال باشد.

3) حق عینی یک حق مطلق است در صورتی که حق دینی یک حق نسبی است منظور از مطلق بودن حق عینی این است که دارنده ی حق به این حق خود می تواند در برابر همه استناد کند و رعایت نمودن آن را از همگان بخواهد اما حق دینی یک حق نسبی است به معنی که فقط در برابر یک نفر قابل استناد است فقط دائن از مدیون می تواند بخواهد که حق او را رعایت کند و محترم شمارد.

4) حق عینی متضمن حق تعقیب است یعنی دارنده ی حق عینی میتواند موضوع حق خود را دست هر کسی که ببیند ، مطالبه کند. ولی حق دینی متضمن حق تعقیب نیست و موضوع آن را می توان فقط از مدیون مطالبه کرد. از این مطلب دو نتیجه می توان گرفت :

الف) یک بستانکار عادی دارای حق تعقیب نسبت به اموال بدهکار خود نیست و نمی تواند آن ها را نزد منتقل الیه توقیف کند و حق خود را از آنان استیفا کند( بستانکاران دو دسته می باشند 1- بستانکار از اموال مدیون چیزی رهن دارد یا وثیقه ای از وی در نزد اوست این چنین بستانکاران با به وجود آمدن شرایطی از قبیل 1- رسیدن موعد مقرر 2- نپرداختن دین از طرف مدیون 3- مطالبه کردن حق داین از مدیون و امتناع مدیون. در این صورت بستانکار می تواند وثیقه را بفروشد و دین خود را استیفا کند ولی گاهی 2- بستانکار از مدیون هیچ وثیقه ای ندارد اینچنینی بستانکاری را بستانکار عادی می گویند و چون دارای حق عینی نیست نمی تواند دارای حق تعقیب باشد و طلب خود را از اموال بدهکار استیفا کند.

ب) فقدان حق تعقیب در حق دینی در اجرای تعهدات مربوط به استفاده از شیء مؤثر می باشد مثلا ما از دوستان می خواهیم ماشین خود را در آخر هفته به ما عاریه دهد تا به گردش برویم و او قبول می کند در اینجا ما دارای حق دینی بر او شده ایم حال اگر بعدا رفتیم و دیدیم که فروخته است نمی توانیم به خریدار ماشین بگوییم که ما دارای حق دینی بر صاحب ماشین بوده ایم چون دارنده ی حق دینی از حق تعقیب برخوردار نیست و رعایت آن را تنها از مدیون می تواند بخواهد نه کس دیگر.